

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطور که بوده  
و نه آنطوری که امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

( 4 )

توطئه بزرگ بر علیه اتحاد جماهیر شوروی

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب سوم : ستون پنجم در روسیه

برگردان : الف نسیم

آلما - آتا

ترتسکی به آلما آتا، پایتخت جمهوری قزاقستان، محلی نزدیک مرز کشور چین تبعید شد. به او و همسرش ناتالیا و فرزندش سدوف خانه‌ای داده شد. از طرف دولت شوروی با او با ملایمت رفتار میشد. اگر چه هنوز به عمق و معنای واقعی توطئه‌های او پی نبرده بودند. به او اجازه داده شد که تعدادی از نگهبانان شخصی خود، از جمله افریم درایستر، افسر سابق ارتش سرخ را در خدمت خود نگه دارد. به او اجازه دریافت و فرستادن نامه نیز داده شده بود. برای او کتابخانه و بایگانی خصوصی ترتیب داده شده بود و در ضمن اجازه داشت که گاهی دوستان خود را ملاقات کند.

در ۲۷ نوامبر ۱۹۲۷ یکی از سرسخت‌ترین هواداران ترتسکی، سیاستمدار و جاسوس آلمانی نیکولای کرسستینسکی نامه‌ای خصوصی برای ترتسکی فرستاد و در آن اهداف و اعمالی را که ترتسکیست‌ها باید در چند سال آینده انجام میدادند را توضیح داده بود. وی گفت این احماقانه است که اپوزیسیون ترتسکی به صورتی آشکار با دولت روسیه مبارزه کند. آنها باید روش خود را تغییر داده و به حزب بلشویک باز گردند، پست‌های کلیدی اداری را در روسیه به دست آورده و سعی کنند که برای تصاحب قدرت از درون خود دستگاه دولت مبارزه را ادامه دهند. کرسستینسکی تشریح نمود که ترتسکیست‌ها باید کوشش کنند: " که آرام ، مرحله به مرحله و از طریق کار مداوم در داخل حزب و با معتقدان به حزب دوباره اعتماد توده‌ها را به دست آورده و نفوذ خود را گسترش دهند. "

روش‌های پیشنهادی و جالب کرسستینسکی، ترتسکی را متقاعد کرد. طبق مطالبی که کرسستینسکی بعدها افشاء کرد، ترتسکی نقشه‌های خود را به سرعت برای هواداران خود که دستگیر و تبعید شده بودند، فرستاد. " بر طبق این شیوه‌ی جدید، آنها می‌بایست طلب بخشش کرده و تقاضای بازگشت به حزب را می‌کردند، و سپس در خفا نقشه‌های ما را عملی ساخته و کم و بیش پست‌های حساس را به دست می‌آوردند. " پیاتاکوف، رادک، زینویف، کامنف و دیگر اعضای تبعید شده‌ی اپوزیسیون از اهداف ترتسکی فاصله گرفته، به انتخاب "روش غلط" مبارزه با کمک اپوزیسیون اعتراف کرده و تقاضای بازگشت دوباره به حزب کمونیست را کردند.

خانه‌ی ترتسکی در آلمان-آتا تبدیل به مرکزی جهت مبارزه با دولت روسیه شده بود. ترتسکی بعدها در رساله‌ی خود " لئو سدوف، پسر، رفیق و مبارز " نوشت: " زندگی عقیدتی اپوزیسیون در آن زمان مانند یک دیگ می‌جوشید. " از آلما آتا، ترتسکی یک سازمان وسیع تبلیغاتی را با اهدافی - توطئه‌گرانه، به صورتی سری در سراسر کشور بر علیه دولت شوروی رهبری میکرد.

در غیاب ترتسکی، برای مدتی رهبری باقیمانده‌ی اعضای اپوزیسیون در کشور به دست نیکلای بوخارین که از شیوه‌ی رهبری ترتسکی ناراضی، و به صورتی تعجب‌آور و عاقلانه در کودتای شکست خورده‌ی ترتسکی شرکت نکرده بود، افتاده بود. بوخارین آمده بود که خود را رهبر و تنوریسین واقعی حزب به حساب آورد. در "مدرسه مخصوص" مارکسیستی که او در

مسکو رهبری میکرد، خود را در میان گروهی از "کادرها"، افراد جوانی که از میان دانشجویان جوان انتخاب شده بودند، محاصره کرده بود. "کادر" نامی بود که او خود برای آنها انتخاب کرده بود. او روش‌های مختلف توطئه‌گری را به آنها آموزش میداد. او حتی ارتباطی بسیار نزدیک با برخی از دانشجویان روشنفکر آشنا با صنعت، که به حزب صنعت پیوسته بودند، داشت. بوخارین در گذشته خود را "کمونیست چپ" میخواند، اما پس از شکست ترتسکی، آغاز به فرموله کردن قوانین و اصولی کرد که به زودی میخواست نام اپوزیسیون راست را به خود بگیرد. به عقیده‌ی بوخارین، ترتسکی به سرعت عمل کرده و یکی از دلایل شکست او این بود که او با دیگر مخالفان فعال روسی در کشور، همکاری نکرد. بوخارین بر آن بود که این خلاء را با اپوزیسیون راست خود پر کند. پس از تکفیر ترتسکی، اولین برنامه‌ی پنج‌ساله از عملیاتی تمام عیار حکایت میکرد. کشور با مشکلات، سختی‌ها و هیجانات جدیدی روبرو بود. به همراه نماینده‌ی دولت، آلکسی ریکوف و رهبر اتحادیه‌ی کارگری، ام. تومسکی و به صورتی مخفیانه در همکاری با جاسوسان تورگ پروم و منشویک‌ها، بوخارین تشکیلات دست راستی خود را در داخل حزب بلشویک سازماندهی کرد. برنامه‌ی اپوزیسیون دست راستی، بر پایه‌ی مبارزه‌ی آشکار بر علیه برنامه‌ی پنج‌ساله پایه‌ریزی شده بود. در پشت صحنه، بوخارین برنامه‌ی واقعی اپوزیسیون دست راستی را در جلسات توطئه‌گرانه با نمایندگان ترتسکی و نمایندگان دیگر سازمان‌های زیرزمینی طرح ریزی میکرد.

بوخارین بعدها ادعا کرد: "اگر برنامه‌ی من در عمل مورد آزمایش قرار گرفته میشد"، آن را از نظر اقتصادی سرمایه‌داری دولتی معنی می‌توان کرد. این برنامه شامل، مساعدت به کشاورزان منفرد، محدودیت و الغای کشاورزی اشتراکی، دادن امتیاز به سرمایه‌های خارجی و آزادی تجارت خارجی انحصاری را در نظر داشت، و در نتیجه به بازگشت سرمایه‌داری، به کشور کمک میکرد. در داخل کشور برنامه‌ی واقعی ما از این قرار بود که: همکاری با منشویک‌ها، سوسیالیستهای انقلابی و احزاب شبیه آنها در یک بلوک. این بدین معنی بود که این برنامه در بر گیرنده‌ی روش‌هایی سیاسی بود، که بدون هیچ ابهامی عناصری نظیر تزاریسیم و فاشیسم را در خود جای میداد.

مواضع جدید بوخارین برای اپوزیسیون، هواداران بسیاری در میان کارمندان عالی رتبه، که امیدی به موفقیت برنامه‌ی پنج‌ساله نداشتند، پیدا کرد. رهبران سازمان‌های کولاکی که سرسختانه با اشتراکی کردن در روستاها مخالفت می‌کردند، آغاز به حمایت از مواضع دست راستی بوخارین از طریق دادن مواد مورد نیاز او تا آن سطح کردند، که ترتسکی تا آن زمان بیهوده برای بدست آوردنش تلاش کرده بود. در ابتدا ترتسکی از بوخارین آزرده خاطر شد. او تصور میکرد که بوخارین قصد به دست گرفتن رهبری جریانی را که او از ابتدا بنیان‌گذارش بود را در سر می‌پروراند، ولی پس از مدت کوتاهی رقابت و دشمنی، آرامش میان آنها برقرار شد. دوران "قانونی" و آشکار اپوزیسیون راست تا نوامبر ۱۹۲۹ طول کشید، در آن سال کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اعلام کرد که تبلیغات دست راستی در حزب منافی عضویت در حزب است. بوخارین، ریکوف و تومسکی از پست‌های داده شده به آنها برکنار شدند.

به پسر ترتسکی لنو سدوف از طرف پدرش، پست اداره‌ی سیستم سری ارتباطی، محول شده بود. سمتی که ترتسکی با کمک آن با هواداران و دیگر مخالفان در سراسر کشور ارتباط برقرار میکرد. سدوف جوانی بود تقریباً ۲۰ ساله، پر از انرژی، خوش قامت، و توطئه‌گری حرفه‌ای. او با تمام وجود، خود را وقف مقاصد اپوزیسیون کرده بود، در عین حال با خشمی دانی و نفرت بر علیه‌ی رفتار دیکتاتور منشانه‌ی پدرش.

ترتسکی در نوشته‌اش "لنو سدوف، پسر، رفیق و یک مبارز"، نقش مهمی را که سدوف در اداره‌ی سیستم سری ارتباطی در آلمان - آنا داشت افشاء کرد. ترتسکی نوشت:

"در زمستان ۱۹۲۷ لنو ۲۰ ساله شد. در آن سال کار او در آلمان - آنا، واقعاً قابل تحسین بود. ما او را وزیر امور خارجه، پلیس و وزیر امور ارتباطات لقب داده بودیم."

برای انجام این ماموریت‌ها، او باید به یک دستگاه غیر قانونی اعتماد میکرد. او به عنوان رابط میان قاصدان سری، که با پیغام‌های خود به آلمان - آلمان آمده و به همراه خود "دستورات" ترتسکی را با خود به همراه میبردند خدمت میکرد:

" گاهی از مسکو نیز قاصدانی می آمدند. ملاقات با آنها کار ساده‌ای نبود. ارتباطات خارجی کاملاً به وسیله‌ی سدوف اداره میشد. او می توانست که خانه را در شبی بارانی و یا وقتی برف سنگینی می آمد ترک کند و یا جهت به گمراه کشیدن فعالیت جاسوسان، میتوانست تمام روز خود را در کتابخانه مخفی کرده و سپس قاصدان را در محلی آشکار، نظیر ساحل عمومی، یا در میان جنگل‌های انبوه خارج از شهر، یا در بازار آسیائی‌ها، جایی که قزاقها با اسبها، خرها و کالاهای خود اجتماع می کردند، ملاقات کند. او هر بار با صورتی خندان، چشمانی پیروزمند و با غنیمتی که در زیر لباس خود مخفی کرده بود باز می گشت. "

سدوف در هفته تقریباً " 100 نامه مرموز ارسالی " را دریافت میکرد. سپس ترتسکی تعداد زیادی تبلیغات و نامه‌های شخصی را به آلمان - آلمان پست میکرد. بسیاری از نامه‌ها حاوی دستوراتی به هواداران و تبلیغات ضد روسی بود. " بین آوریل و اکتبر ۱۹۲۸ "، ترتسکی چنین لاف میزد: " ما تقریباً ۱۰۰۰ عدد نامه و نوشته‌ی سیاسی و تقریباً ۷۰۰ تلگراف دریافت کردیم. طی همان زمان، ما ۵۰۰ تلگراف و تقریباً ۸۰۰ نامه‌ی سیاسی را ارسال کردیم. "

در دسامبر ۱۹۲۸ نماینده‌ای تام الاختیار از طرف دولت شوروی به آلمان - آلمان جهت صحبت با ترتسکی فرستاده شد. به نقل از کتاب "زندگی من" او به ترتسکی چنین گفت: " اخیراً فعالیت هواداران شما در کشور، شکلی ضد انقلابی و تعیین کننده به خود گرفته است و شرایط زندگی شما در آلمان - آلمان این امکان را کاملاً به شما میدهد که این فعالیت‌ها را از اینجا رهبری کنید. " دولت شوروی میخواست ضمانتی از ترتسکی دریافت کند که بر اساس آن ترتسکی باید به فعالیت‌های ضد انقلابی خود پایان میداد. اگر او از دادن ضمانت سر باز میزد، دولت شوروی او را به عنوان خائن شناسایی کرده و این حق را به خود میداد که تصمیماتی جدی در مورد او اتخاذ کند. ترتسکی از قبول اخطاریه سر باز زد. پرونده‌ی او توسط دادگاه مخصوص جی پی یو ( G. P. U. ) در مسکو به جریان انداخته شد. در بخشی از یادداشت‌های جی پی یو به تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۲۹ چنین می خوانیم: " رسیدگی شده: پرونده‌ی ترتسکی، لنو داویدیچ، بر اساس فصل ۵۸۱۰ از حقوق جزائی، متهم به فعالیت‌های ضد انقلابی در سازمانی از یک حزب ضد روسی، که اخیراً فعالیتش معطوف به تبلیغات ضد روسی و آماده کردن مبارزه‌ی مسلحانه بر علیه دولت شوروی بود، میباشد. تصمیم: همشهری ترتسکی، لنو داویدیچ، از مرزهای روسیه اخراج میشود. "

در صبح ۲۲ ژانویه ۱۹۲۹ اخراج ترتسکی از روسیه به اجرا گذاشته شد.

این آغاز عجیب ترین قسمت دوره‌ی زندگی ترتسکی بود.

" اخراج معمولاً به معنای خاموشی است، ولی در مورد ترتسکی بر عکس آن اتفاق افتاده است. "

بعدها ایساک اف. مارکوسون در کتاب "دوران معاصر" نوشت و ادامه داد:

" او یک زنبور در ساحل انسان‌ها بود، البته تا زمانی که در میان مرزهای روسیه زیست میکرد، اما زمانی که او صدها مایل از آنجا فاصله داشت، درد نیش او کمتر احساس میشد. به دلیل فعالیت از راه دور، او رسماً دشمن شماره‌ی یک روسیه محسوب شده است. ناپلئون فقط مالک یک اس تی هلنا بود، که به زندگی او به عنوان جنگ افروز پایان داد. ترتسکی مالک ۵ اس تی هلنا بود. هر یک از آنها آشیانه‌ی یک پشت هم انداز بود. قهرمان در تبلیغات، او در فضای بی نظیر ملی و بین المللی توطئه، شبیه شخصیتی نمایشی در قصه‌های ترسناک اوپن هایمر زندگی کرده است. "

\* \* \* \* \*